

SMS
نظرسنجی

فتحی علیه مدبری

با اینکه وقتی ویژه‌نامه همشهری جوان هست، دلیلی ندارد آدم برود تلویزیون ببیند! ولی خوب، آنها هم زحمت کشیده‌اند و بد نیست مخصوصاً نگاهی به سریال‌های نودوزی تلویزیون بیندازید؛ آن هم فقط برای اینکه بتوانید در نظرسنجی ما شرکت کنید! فقط هم تا ۱۴ فروردین وقت دارید که گزینه موردنظرتان را به این شماره پیامک بزنید.

۳۰۰۰۹۹۹۰۲

چون اسم سریال‌ها ممکن است عوض شده و حتی خود سریال‌ها هم دقیقه ۹۰ عوض شوند، شما میتوانید هم اسم سریال و هم شماره شبکه پخش سریال را پیامک بزنید. هر دو تائید قبول است.

با هم صحبت می‌کنند. مدبری آرامش خاصی دارد، با لبخند و طمأنینه آنها را همراهی می‌کند. روابط عمومی لپ تاپی را به او می‌دهد تا از بین مجموع عکس‌های عباس اصفهانی (عکاس کار)، چند تایی را انتخاب کند (بنابراین، باید بدانید، تمام این عکس‌هایی که در این صفحه می‌بینید، همه از فیلتر کارگردان گذشته است). انتخاب عکس‌ها و تمرکز مدبری برای این کار خود ماجرای مفصلی دارد؛ فقط در همین حد بدانید که از میان نزدیک به ۲ هزار عکس، نزدیک به ۳۰ عکس مورد پسند کارگردان سختگیر قرار می‌گیرد. در اتاق گریم باز می‌شود، عارف لرستانی دارد گریم می‌شود. فروزان جلیلی فر (طراح صحنه و لباس) برای دکور صحنه بعد تصمیم‌گیری می‌کند. سیامک انصاری وارد می‌شود و بالحن معروف مهران مدیری به همه سلام می‌کند.

روز/داخلی/سکانس: کلانتری

ساعت نزدیک ۳ بعدازظهر است. فروزان جلیلی فر، گوشه‌ای از طبقه دوم این ساختمان را با استفاده از ماکت و چوب‌های نئوپان سبز رنگ به شکل دیوارهای یک کلانتری در آورده است. مدبری وارد صحنه می‌شود، بسیار آرام و در عین حال جدی، بدون اینکه کو چک تر یین حرفی بزند

روز/داخلی/سکانس: ناهار

فکر می‌کنید سریال مرد هزار چهره ۲ در کجا فیلم‌برداری می‌شود؟ لوکیشنی در شمال تهران، در خیابان ولنجک. خیلی لازم نیست برای پیدا کردن مکان مورد نظر سختی کشید و گشت؛ خیلی راحت نشانه‌هایی از فیلم‌برداری یک مجموعه تلویزیونی در خیابان معلوم است. اول کامیون بزرگ فیلم‌برداری (واحد سیار) را می‌بینید که روبه‌روی خانه بزرگ ویلایی ای پارک شده و دوم، رفت و آمدها در حوالی این خانه کمی بیشتر از حد معمول و شاید هم برای یک غریبه مشکوک باشد.

دم در این خانه که بی‌شبهت به عمارت‌های قدیمی نیست، نگهبان جلوی راه را می‌گیرد و پرس و جوها شروع می‌شود تا اینکه روابط عمومی (وفا ملک‌زاده) به داد می‌رسد. توقع دارید در لحظه ورود شاهد چه چیزی باشید؟ یا اینکه دوست دارید بدانید در این

خانه ۳ طبقه چه خبر است؟ طبقه اول که ناهار خوری است. گروه در حال خوردن ناهار هستند، شاید هم استراحت بعد از ناهار. مهران مدیری پشت میز ناهار خوری نشسته و کیهان ملکی و پژمان باغی هم روبه‌روی او هستند و

مرد هزار چهره ۲، یکی از برگ‌های برنده تلویزیون است پشت صحنه این سریال چه خبر بود

بازگشت شصت‌چی

آرامه اعتمادی

«مرد هزار چهره» را حتماً به خاطر دارید؛ سریالی که هم صدای اعتراض خیلی‌ها را بلند کرد و هم کلی بیننده برای خودش دست و پا کرد. وقتی مهران مدیری، مرد هزار چهره را ساخت، بلند و علنی اعلام کرد که «دیگر تلویزیون هرگز! و حالا فقط سینما!». اما مگر چند مهران مدیری طناز در کشور ما وجود دارد که بتواند همه را پای گیرنده‌هایشان میخکوب کند؛ پس این پایان ماجرا نشد و مسوولان صداوسیما دست از سر او بر نداشتند؛ آن قدر رفتند و آمدند که باز هم او را مجبور کردند تا سری دوم این مجموعه پر مخاطب را بسازد و باز یگرانی مثل سیامک انصاری، سحر زکریا، بیژن بنفشه‌خواه، عارف لرستانی، کیهان ملکی، سیند امیر سلیمانی، پژمان باغی، فلاک جنیدی، رضا فیض نوری، غلامرضا نیکخواه، پروین مقامی، امید روحانی، امید زندگانی، هادی کاظمی، یوسف صیادی، محمدرضا هدا بیتی، سحر جعفری جوزانی و... را گرد هم جمع کند و باز هم مدیر یک گروه ۹۰ نفره شود.

اواخر بهمن ماه نزدیک به ۲ ماه از فیلم‌برداری سریال گذشته، ۶ قسمت مجموعه آماده شده. دقت و سختگیری مهران مدیری در «مرد هزار چهره ۱» که پار سال همه شاهدش بودیم، همچنان ادامه دارد و همین‌طور سکانس‌های پر هزینه‌تر و عظیم‌تر از سکانس‌های پار سال.

عکس: اکبر اصفهانی



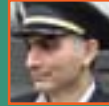
سیامک انصاری



کمپانی مدیری و شرکا

راضی کردن سیامک انصاری برای همین مصاحبه کوتاه مثل شکستن شاخ قیل بود. «با نقشی که بار سال بازی کردم، بسیار متفاوت است و همین قدر بگویم که به جز خودم هیچ کس نمی توانست این نقش را بازی کند». وقتی در مورد موفقیت کار از او می پرسیم، می گوید: «ما و مهران یک کمپانی هستیم و فقط کارمان را انجام می دهیم. متمرکز شدن روی نقش و کار خیلی بهتر از این است که به نتیجه اش فکر کنیم»

بیژن بنفشه خواه



کمک خلبانی که خلبان را نمی شناسد

بیژن بنفشه خواه در مرد هزار چهره (۲) نقش یک کمک خلبان را بازی می کند که مسعود شصت چی را با خلبان اشتباه می گیرد: «به نتیجه آن امیدوارم و حدس می زنم که موفق شود چون مدیری کارگردانی است که طنز و کمدی را می شناسد و آگاهی کاملی نسبت به ذائقه مخاطب دارد». بنفشه خواه نقش خود فضایی کار را دوست دارد و می گوید: «امیدوارم که بتواند قسمت های جریان ساز این سریال بشود، دوست دارم که این اتفاق بیفتد»



امسال بعد از مدت ها همکاری پیمان قاسم خانی گروه نویسندگان را تنها گذاشته

کاش پیمان بود!

سراغ مهربان قاسم خانی یکی از آشنوینده کار می رویم. اتاق نویسنده ها اتاق کوچکی است که در آن فقط یک میز تقریباً بزرگ و صندلی هایی که اطراف آن چیده شده اند، دیده می شود.

او تنها نویسنده های است که امروز در لوکیشن حاضر است. در مورد کار می گوید: «درست به یاد ندارم کی تصمیم گرفتیم که این کار را دوباره شروع کنیم اما در اصل شبکه تمایل داشت که این کار را ادامه دهیم. ما هم پذیرفتیم. البته بعضی ها کم پذیرفتند و بعضی ها هم زیاد (خنده)». بعد ادامه می دهد: «کار ۱۵ قسمت است اما بین آشنوینده تقسیم کاری صورت نگرفته؛ هر کس در آخر جان بیشتری داشته باشد، او بیشتر می نویسد. احتمالاً من کمترین هستم چون از همه تنبل ترم».

این مجموعه هم درست مثل سری قیل طنز موقعیت است و مسعود شصت چی با قرار گرفتن در ۵ موقعیت، لحظات خنده داری را رقم می زند. نگارش قسمت های سینمایی سریال بر عهده قاسم خانی بوده. او می گوید: «در وهله اول با خودمان شوخی کردیم تا به کسی بر نخورد! البته باز هم این امکان وجود دارد که عده ای خوششان نیاید».

او بزرگ ترین تفاوت این کار با کارهای روتین گذشته مدیری را در این می داند که می توانند با خیال راحت نقش ها را بنویسند، بدون اینکه به بازیگر آن فکر کنند چون بازیگران از پیش تعیین نشده اند. او می گوید: «در این ۲ سال که شکل سریال سازی مهران - مدیری - تغییر کرده، برای همه هم تغییرات ایجاد شد؛ شیوه نگارش ما هم متفاوت شد. نتیجه هم تغییر کرد اما من این تغییر نتیجه را دوست نداشتم!».

قاسم خانی از اینکه برادر بزرگ ترش (پیمان) امسال نتوانسته آنها را در این کار همراهی کند، کمی نگران است: «همانگ شدن آشنوینده بر سربیک قصه خطی با هم، آن هم با این فشار زمانی کمی دشوار است و سال گذشته پیمان به خوبی توانست این امر را با سرپرستی اش هماهنگ کند. نبود او به کار ما نویسنده ها لطمه می زند اما امیدوارم در عمل این اتفاق نیفتد».

صحنه دوباره گرفته می شود. دیالوگ ها عصبی تر گفته می شوند. ریتم هم کمی تندتر شده. هنگام ادای آنها کمی هم تغییر ایجاد می شود اما مهران مدیری در این مورد سختگیری نمی کند.

شب/داخلی/سکانس: موقعیت سینمایی

ساعت به ۹ شب نزدیک شده. سکانس های موقعیت و قسمت های سینمایی قصه در طبقه سوم خانه گرفته می شوند. آگوار یومی که در صحنه است، جلب توجه می کند و آدم را یاد خاطرات سریال «پاورچین» می اندازد. تکرار قسمت های ۳ و ۴ گرفته می شود. زمان بازی خود مهران مدیری رسیده؛ فیلم برداری آغاز می شود. مدیری در این صحنه قرار است، نقش یک کارگردان را بازی کند. عینک دودی زده و با شیطنت و هیجان لبخند بر لب دارد. می خواهد پشت دوربین بایستد که تعادلش را روی ریل فیلم برداری کمی از دست می دهد. تمام عوامل از جلوی دوربین رد می شوند و همه می کنند. صحنه شلوغ است. کات داده می شود، مدیری می خندد و می گوید: «ببینیم!». همه دور مانیتور جمع می شوند تا صحنه را ببینند. کارگردان کسی را که مدام مستقیم به طرف دوربین می آمده و می رفته، در مانیتور به همه نشان می دهد و همه می خندند. با شیطنت می گوید: «چه ها هول نزیند؛ از همه بعدا می گیرم! فعلاً عرضی رد بشید...». صحنه دوباره گرفته می شود. او از همه تشکر می کند و در این لحظه همه عوامل می دانند که باید سکوت کنند!

شب/خارجی/باران

بیشتر از این نمی شود در لوکیشن ماند. ساعت: ۱۰:۳۰ شب. امسال در تمام طول زمستان خبری از بارش برف و باران نبود اما با قدم ماست یا شانس یا بدشانسی، هر چه که هست امشب از آن باران هایی می بارد که اگر بخواهی ۲ قدم بدون چتر راه بروی، با موش آب کشیده هیچ فرقی نخواهی کرد.

از این گرفته شده اما چون به دل مدیری ننشسته، بی خیالش شده و حالا دوباره باید گرفته شود. کیهان ملکی فیلمنامه به دست وارد می شود، تمام تمرکزش را برای حفظ کردن دیالوگ ها گذاشته. پژمان با زغی از دستیار کارگردان می پرسد که سکانس بعدی چیست؟! آن را می خواند و بعد می گوید: «یک موبایل صحنه به من بدهید». به سمت کارگردان می رود و به او می گوید: «بگذار این صحنه را این طوری بگیریم. جناب سروان است دیگر! پس می تواند». مدیری می خندد: «نه! نمی شود». با زغی علت را می پرسد و مدیری با لبخند و ملامت توجیه اش می کند. با زغی پس از چک مجدد دیالوگ هایش با شیطنت خاصی مدام و پشت سر هم دست هایش را به هم می کوبد و می گوید: «بگیریم». سیامک انصاری با گرمش که تفاوتی با چهره خود ندارد، وارد سالن می شود و به همه سلام می کند. با زغی می گوید: «سلام علیکم سلام علیکم، به به، به به!» همه می خندند. مدیری می گوید: «بریم ضبط». عارف لرستانی، فلامک جنیدی،

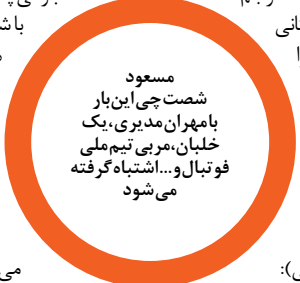
اکبر قدمی و سپند امیر سلیمانی هم هستند. کیهان ملکی هم در صحنه حضور دارد. به نظر می رسد که نقش مافوق با زغی را دارد. ضبط شروع می شود. ملکی: «ما دیر یا زود اون خلافتار متواری را دستگیر می کنیم؛ بنابراین مقاومت شما فقط جرمانه را سنگین تر می کند، برای آخرین بار سوال می کنم؛ اون کیه؟». اکبر قدمی: «خلافتار شماس، اون وقت از ما می پرسید کیه. خوبه والا!».

ملکی: «خودتون رو به اون راه نزیند آقا، همه چیز روشن».

قدمی: «خب اگه همه چیز روشن که پس برای چی مارو زاب راه کردید؟».

عارف لرستانی: «آقا شما خیلی حرف می زنید».

مدیری کات می دهد: «بیچه ها... تنش نداره. کمی باید دیالوگ ها را تندتر بگین که ببینند رو در گیر کنه».



می ایستد. همین ایستادن او در صحنه کافی است تا تمام عوامل گروه بسیار سریع جمع شوند و بدانند که فیلم برداری شروع خواهد شد. این را می گویند فرماندهی در سکوت!

عارف لرستانی و پژمان با زغی با لباس های نظامی پشت میزی می ایستند. مهربان شکرابی بازیگر دیگری است که در این صحنه حضور دارد، کلاه به سر دارد و عینک دودی به چشم. جالب اینکه شکرابی طراحی گریم مرد هزار چهره ۲ را هم بر عهده دارد. کمی که می گذرد متوجه می شویم که قرار است تانقش یک مربی فوتبال را بازی کند که از خارج از کشور به ایران آمده. بیژن شکبیا (مهربان شکرابی): «من یه مترجم می خوام بایه وکیل...». عارف لرستانی

و پژمان با زغی دیالوگ هایشان را می گویند، مدیری کات می دهد، و می گوید: «تصویر راباز کنید که توشات بریم، فول نمی خواهیم شات!». فیلم برداری از سر گرفته می شود، لرستانی دیالوگ هایش را بار دیگر می گوید.

سروان اعتمادی (پژمان با زغی): «شما کنتون رو در بیارید! کلاه رو بذارید

رو سرتون! حالا این سیبیل رو بذارید... و بعد دستور می دهد تا بیژن شکبیا را به بازداشتگاه ببرند. شکرابی (بیژن شکبیا) فریاد می زند: «اشتباه گرفتید، اشتباه گرفتید، جناب سرگرد...». با زغی در جواب می گوید: «من سرگرد نیستم، سروانم!». شکرابی در همان گیرودار که فریاد می زند، لحسن را تغییر می دهد و با تعجب می پرسد: «مطمئنی؟». مدیری بلند می خندد و کات داده می شود. همه با مدیری می خندند! ما که نمی دانیم قصه چیست، کمی گیج مانده ایم! دستمان می آید که دیالوگ آخر در فیلمنامه نوشته نشده بوده و شکرابی آن را در همان لحظه اضافه کرده، همه متفرق می شوند تا صحنه بعدی کلانتری چیده شود.

عصر/داخلی/سکانس: تکراری

صحنه بعدی از آن صحنه هایی است که یک بار قبل

سحر زکریا

تجربه ای دوباره و شیرین با مدیری

نام سحر زکریا با پاورچین مهران مدیری بیشتر از گذشته بر سر زبان ها افتاد. خودش همیشه دوست داشته اگر قرار باشد موقعیت کار طنز و کمدی دیگری در تلویزیون برای او پیش بیاید، این اتفاق با مهران مدیری بیفتد؛ «بعد از پاورچین که با ایشان کار کرده بودم، احساس کردم همکاری در این پروژه تجربه خوبی خواهد بود و متفاوت است». زکریا هم مثل همه بازیگران دیگر معتقد است که مدیری در این ۲ کار اخیرش حتی در نحوه کارگردانی هم تغییر کرده: «وقتی کسی کاری را به نحو احسن انجام می دهد، از خودش توقع بیشتری دارد». او اوامینان دارد که مرد هزار چهره (۲) نسبت به سریال سال گذشته طرفداران بیشتری را جذب خواهد کرد؛ «قطعا از سری پیش موفق تر خواهد شد. چون با توجه به قسمت هایی که خودم حضور دارم و از ریز جزئیات کار باخبرم، متوجه شده ام که بسیار با مزه و جذاب است؛ ضمن اینکه نویسندگان کار کسانی هستند که خود را در کارهای قبلی ثابت کرده اند و توانایی بسیاری دارند».



عارف لرستانی

هیجان زدگی پس از این همه مدت

عارف لرستانی دوباره و پس از مدت ها دوباره جلوی دوربین مهران مدیری قرار گرفته است و نقش یک مامور حفاظت هواپیما را بازی می کند که سعی دارد، از ربودن هواپیما جلوگیری کند. لرستانی از این تجربه با هیجان صحبت می کند: «بعد از این همه مدت - نزدیک به ۸ سال - جلوی دوربین او قرار گرفتن باعث شده بود که دوباره هیجان روزهای اولم را داشته باشم. برایم خیلی مهم است که خوب باشم چون وقتی کارگردانی کسی را قبول داشته باشی دوست داری که خودت هم در آن فیلم خوب بدرخشی. ضمناً نوع آیتم سازی تغییر هم کرده بود؛ بنابراین حساسیت و سختگیری های مهران مدیری بیشتر شده و طبیعتاً تجربه اش هم بالاتر رفته».

